

## « توسعه و مناسبات جمعیتی در ایران: بارویکرد آینده‌نگر »

دکتر شهلا کاظمی پور<sup>۱</sup>

چکیده

پویایی جمعیت و ابعاد آن یعنی میزان‌های رشد، ساختار سنی، باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت، هرچند به شدت متأثر از محیط و بستر اجتماعی در حال تغییر پیرامونی خود هستند، اما آن‌ها نیز به نوبه خود، ابعاد مختلف توسعه نظیر توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی و توسعه پایدار را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. همچنین ابعاد دیگری نظیر سلامت جمعیت، بهداشت باروری، توانمندسازی زنان و حمایت‌های بین‌نسلی نیز بطور قوی متأثر از پویایی و روندهای جمعیتی می‌باشند. از این رو، تغییرات جمعیتی در بستر توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی شکل می‌گیرند و در مقابل، ابعاد مختلف توسعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در این فرایند، رابطه جمعیت و توسعه تک‌بعدی و تک‌جهتی نبوده و تعاملات درهم‌تنیده‌ای بین ابعاد مختلف جمعیت و توسعه وجود دارد.

۱- دانشیار و معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه Email: skazempour@gmail.com

تغییرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ایران در نیم قرن اخیر مسائل و چالش‌های متعددی را در حیطه جمعیت و توسعه به همراه داشته است. رشد شتابان جمعیت و تبعات آن نظیر ترکیب و توزیع نامتناسب جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا به شهر، تنگناهای مرتبط با آموزش، اشتغال و مسائل زیست‌محیطی، اهمیت خاصی به مطالعات جمعیت و توسعه در ایران داده است. همچنین، وضعیت جمعیت‌شناختی کشور که در حال حاضر به پایان مرحله اول گذار جمعیتی خود رسیده و در حال تجربه نظام جدید جمعیتی می‌باشد، موجب شده تا جامعه ایران با ابعاد و مسائل نوظهور جمعیت و توسعه‌ای نظیر نیروی محرکه (گشتاور) جمعیتی، توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی سریع، وضعیت مهاجران خارجی، انتقال‌های ساختار سنی، سالخوردگی جمعیت، تغییرات خانواده، نابرابری جنسیتی، رشد فزاینده تعداد زنان سرپرست خانوار، فقر و نابرابری، تخریب محیط زیست و موضوعات مرتبط دیگر مواجه باشد (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵).

در این مقاله با مروری بر ادبیات موضوع، ابعاد مختلف مناسبات جمعیتی و توسعه در ایران با رویکرد آینده‌نگر مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش مطالعه در این بررسی روش اسنادی بوده و اطلاعات لازم با مراجعه به کتب، مقالات، گزارش‌های پژوهشی و آمار و اطلاعات رسمی منتشر شده توسط مراجع معتبر جمع‌آوری شده است.

**کلمات کلیدی:** توسعه، گذار جمعیتی، چالش‌های جمعیتی، ترکیب و توزیع جمعیت

### تعریف توسعه

توسعه یعنی عزیمت همه جانبه (نظری- عملی) و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به سطوح بالای توانایی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری<sup>۱</sup>، پیچیدگی، درک، خلاقیت<sup>۲</sup>، مهارت<sup>۳</sup>، لذت و فضیلت.

- ۱- Efficiency
- ۲- Productivity
- ۳- Creativity
- ۴- Mastery

اگر چه مفهوم توسعه عموماً مترادف با پیشرفت اقتصادی به کار می رود، اما به همان اندازه ناظر به پیشرفت سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک نیز است (یاگونیر، ۱۳۸۷: ۲۵). مایکل تودارو توسعه را چنین معنا می کند. «توسعه را باید جریان چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضعی یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد. توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر است (تودارو، ۱۳۶۸: ۱۳۶).

پیتر دوونالد سن در تعریف توسعه می گوید: توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایشها و نهادها برای تحقق کامل هدفهای جامعه است و در این استحاله مهم اگر توده مردم درگیر باشند ممکن است میوه رشد فوراً نصیب آنها نشود زیرا که فرایند توسعه اغلب فرایند رنج آور و دشواری است، تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه، مشارکت اصیل نداشته باشند ادامه توسعه ممکن نخواهد بود (از کیا، ۱۳۸۴: ۲۵). توسعه اقتصادی: فرایندی است که طی آن شالوده های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری های اقتصادی و تغییراتی در زمینه های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (همان: ۴۵).

### عوامل مؤثر در توسعه

در توسعه کشورهای پیشرفته صنعتی عوامل متعددی مؤثر بودند که نمی توان به یک علت مشخص و یا عواملی محدود به عنوان علت یا عوامل اصلی توسعه اشاره کرد. ولی باید توجه کرد که در توسعه این جوامع همه عوامل به یک اندازه و بطور مساوی مؤثر نبوده اند. بلکه چند عامل تأثیر عمیق و قطعی داشته، و بقیه نقش های حاشیه ای ایفا کرده اند، و این بدان معنی نیست که تأثیری در توسعه این جوامع نداشته اند. در اینجا به چند عامل مهم توسعه در کشورهای صنعتی اشاره می شود:

از عوامل درونی توسعه می‌توان به انباشت سرمایه اشاره کرد که نقش اساسی ایفا کرده است. البته انباشت اولیه سرمایه در این کشورها به دو طریق صورت گرفته است. اولاً از طریق مازاد اقتصادی بخش کشاورزی، ثانیاً بواسطه تاراج ثروت ملل ضعیف و انتقال آن به کشور و سپس قرار دادن در مرحله تولید، البته طریقه دوم انباشت سرمایه عامل بیرونی محسوب می‌شود. تجارت برده نیز عامل دیگری در رشد اقتصادی کشورهای اروپایی بود که علاوه بر اینکه سود کلانی را به کشورهای صنعتی، بویژه انگلستان، برمی‌گرداند، در توسعه صنایع کشتیرانی جهت حمل و نقل، گسترش تجارت جهانی، استخراج معدن، کشت تجاری محصولات غذایی در مزارع بزرگ، بانکداری و معاملات اوراق بهادار اهمیت زیادی داشت.

عده‌ای از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان توسعه، رشد جمعیت را در قرون هیجدهم و نوزدهم یکی دیگر از عوامل توسعه ذکر کرده‌اند. به عقیده این عده رشد جمعیت در قرن هیجدهم و سپس در قرن نوزدهم دو نقش مثبت ایفا کرده است. اولاً بازار داخلی را توسعه داده، که در نتیجه، سطح تولید کالاهای صنعتی بالا جبار بالا رفته و کمک اساسی به رشد صنایع داخلی نموده است. ثانیاً در مرحله گسترش صنعت و مراکز صنایع که نیاز بسیار به نیروی کار انسانی ارزان قیمت بوده رشد جمعیت این نیرو را بطور ارزان در اختیار صاحبان صنایع قرار داده است. اما باید متذکر شد که رشد جمعیت همیشه و در همه جا نمی‌تواند نقش یکسانی ایفا کند، چرا که اگر آهنگ رشد جمعیت از آهنگ رشد تولید ملی بیشتر و حتی یکسان باشد آن جامعه یا از رشد اقتصادی باز می‌ایستد و یا رو به فقر می‌گذارد. از این رو نمی‌توان قاطعانه اظهار داشت که رشد جمعیت همواره با رشد اقتصادی و در نتیجه با توسعه جامعه همراه است.

رشد تفکر علمی و محاسبه عقلانی یکی دیگر از این عوامل بود که تأثیر عمده‌ای بر توسعه کشورهای اروپایی داشت. اروپائیان که از تاریکی قرون وسطی به درآمده و از طریق کتب عربی با دانش یونان و روم آشنایی پیدا کرده بودند، خود به تفکر علمی پرداختند. و از هنگامی که اروپائیان به تفکر علمی پرداختند، توانستند به سرعت در طریق شناخت جهان و کائنات موفقیت‌های بسیاری کسب کنند. و با شناسایی عمیق‌تر و کامل‌تر بتوانند در محیط مادی و اجتماعی زندگی بشر تغییرات اساسی بدهند و در تولید کالاها و خدماتی که برای رفاه و سلامتی و آسایش انسان ضرورت دارد قدم‌های بزرگ‌تری بردارند. به‌وضوح می‌توان تأثیرات انقلابات علمی را در انقلاب صنعتی قرن

هیجدهم اروپا مشاهده کرد. حتی انقلاب اقتصادی، انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی دو قرن اخیر در جامعه بشری مولود انقلابات علمی یعنی پیدایش و رشد تفکر علمی در جامعه بشری است.

انقلاب صنعتی که مجموعه‌ای از تحولات عمیق فنی، اقتصادی و اجتماعی است یکی دیگر از این عوامل است که در اواسط قرن هیجدهم میلادی بویژه در انگلستان و سپس در ممالک سرمایه‌داری دیگر بوقوع پیوست. این تحولات، تغییرات ساختاری عمیقی در نوع و شکل توسعه این ممالک ایجاد کرد. هنگامی که اروپای غربی، بویژه انگلستان، شروع به توسعه کرد، خود از بسیاری از کشورهای آسیایی از نظر صنعت و فن عقب مانده‌تر بود. اروپا می‌بایست زحمات بسیار بکشد تا این عقب‌ماندگی خود را نسبت به آسیا جبران سازد. و اروپا با یک جهش آن را جبران ساخت.

عامل مؤثر دیگر در توسعه کشورهای صنعتی، تجارت خارجی بود. کشورهای پیشرفته صنعتی چون در بازار بین‌المللی از قدرت اقتصادی و حتی سیاسی برخوردار بودند، لذا نیروهای بازار را تحت سلطه خویش داشتند. این کشورها می‌توانستند کالاهای تولید شده را در بازار بین‌المللی گرانتر از ارزش خود عرضه نمایند و مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود را ارزانتر تهیه کنند (از کیا، ۱۳۶۵: ۱۷-۱۶).

### رشد و مراحل انتقالی جمعیت

حاصل تفاضل تعداد موالید از تعداد مرگ‌ومیر در هر سال بیانگر رشد طبیعی سالانه جمعیت است که نسبت این رقم به کل جمعیت میانه هر سال (ضربدر عدد) درصد رشد سالانه جمعیت را نشان می‌دهد. در زمان‌های گذشته و از بدو تاریخ، میزان موالید و مرگ‌ومیر بشر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بود، (موالید حدود ۴۰ و مرگ‌ومیر حدود ۳۵ در هر هزار نفر) و انسان‌ها زیاد به دنیا می‌آمدند و خیلی سریع و زیاد هم می‌مردند. گاهی تعداد مرگ‌ها آن قدر زیاد بوده که بر تعداد موالید فزونی می‌گرفت. نتیجه آن که جمعیت کره زمین با سرعت بسیار اندک افزایش می‌یافت. رشد طبیعی جمعیت در مرحله اول انتقال جمعیت در سطح بسیار نازل بوده و جمعیت به‌کندی افزایش می‌یافت به طوری که طی ۲۰۰۰ سال (از قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۶۵۰) جمعیت جهان از ۲۵۰ میلیون نفر به ۵۰۰ میلیون نفر رسید.

از اواسط قرن هفدهم کشفیات و پیشرفت‌های علوم وابسته به پزشکی مانند باکتری‌شناسی، داروسازی و جراحی در کشورهای صنعتی امروز باعث کاهش تدریجی میزان مرگ‌ومیر گردید. البته قبل از آن که این تحولات رخ دهند بهبود شرایط بهداشتی و توسعه آن در سطح عمومی جامعه اروپا، نقش مهم و آشکار در کاهش مرگ‌ومیر داشته است. منظور از بهبود، تأمین آب آشامیدنی سالم، دفع فاضلاب‌ها و زباله‌ها، مصرف فراگیر شوینده‌ها و مواد ضد عفونی‌کننده و از این‌ها مهم‌تر ارتقای سطح آگاهی عمومی و درک ضرورت حفظ سلامتی و بهداشت فردی است که عامل مؤثر و قوی در کاهش مرگ‌ومیرها بوده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۶).

دانشمندان گاهی افزایش جمعیت را محرک اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کردند و گاهی نیز کیفیت را بر کمیت برتر دانسته و از افزایش جمعیت گریزان بودند. به هر حال همیشه هدف نهایی و اصلی، داشتن جامعه‌ای مرفه و متعادل بوده است

کاهش تدریجی مرگ‌ومیر عمومی و عدم تغییر در میزان‌های موالید و حتی گاهی به دلیل کاهش مرگ‌ومیرهای جنینی و مرگ‌ومیرهای مادران در اثر زایمان، میزان‌های موالید افزایش یافته و در نتیجه رشد طبیعی جمعیت با سیر صعودی همراه بوده است. این دوران مرحله دوم انتقال جمعیت نامیده می‌شود.

در اواسط قرن نوزدهم پس از اشاعه نظرات مالتوس و سایر اقتصاددانان بدبین، برنامه‌های کنترل موالید انتشار یافته و به تدریج میزان‌های موالید کاهش یافت و به دنبال کاهش میزان‌های موالید، رشد طبیعی جمعیت نیز سیر کاهنده پیدا کرد. در نتیجه مرحله سوم انتقال جمعیتی از اواسط قرن نوزدهم آغاز شده است. بالاخره با کاهش تدریجی موالید و مرگ‌ومیر در کشورهای صنعتی امروز میزان هر دوی آن‌ها به سطح حداقل ممکن رسید (میزان موالید در حدود ۱۰ و میزان مرگ‌ومیر حدود ۵ در هر هزار نفر) و رشد طبیعی جمعیت مجدداً به سطح نازلی (در حد مرحله اول انتقال جمعیت) تنزل کرد و مرحله چهارم انتقال جمعیتی از اوایل قرن بیستم به بعد در بسیاری از کشورهای صنعتی، مورد مشاهده قرار گرفت.

سیر تحول از مرحله اول انتقال جمعیتی تا مرحله چهارم را مراحل انتقالی جمعیت می‌نامند. یعنی رشد جمعیت از یک رقم ناچیز پس از طی نمودن دوره یا دوره‌هایی به همان رقم ناچیز رسیده است. در مرحله اول انتقالی جمعیت میزان‌های موالید و

مرگومیر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بوده، ولی در مرحله چهارم هر دو در سطح حداقل ممکن می‌باشند. در مرحله اول و چهارم رشد طبیعی جمعیت به یک اندازه و ناچیز هستند و زمان دو برابر شدن جمعیت نیز بسیار طولانی و در یک سطح است. با این تفاوت که در مرحله اول به دلیل مرگومیر بالای جمعیت، امید زندگی یا عمر متوسط کوتاه بوده و جمعیت جوان است، ولی در مرحله چهارم با کاهش مرگومیر و رسیدن آن به سطح حداقل ممکن، امید زندگی یا عمر متوسط در سطح حداکثر (بالای ۸۰ سال) قرار دارد و جمعیت سالخورده است (همان: ۲۷).

اکثر کشورهای صنعتی مراحل چهارگانه انتقالی جمعیت را طی کرده و حتی با سالخورده شده جمعیت و افزایش مرگومیر مرحله جدیدی با رشد منفی جمعیت را تجربه می‌نمایند، ولی بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نظر مراحل انتقالی جمعیت در مراحل دوم و یا سوم قرار دارند، در ضمن آغاز کاهش مرگومیر در این کشورها پس از دو قرن تأخیر با انتقال امکانات بهداشتی درمانی در اواسط قرن نوزدهم و یا اوائل قرن بیستم بوده است.

### عقاید و نظرات جمعیتی

دانشمندان گاهی افزایش جمعیت را محرک اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کردند و گاهی نیز کیفیت را بر کمیت برتر دانسته و از افزایش جمعیت گریزان بودند. به هر حال همیشه هدف نهایی و اصلی، داشتن جامعه‌ای مرفه و متعادل بوده است و دستیابی به این رفاه را گاه از طریق کاهش جمعیت جست‌وجو می‌کردند و بالاخره معتقد شدند که باید به حد متناسبی از جمعیت رسید که شرایط اقتصادی و اجتماعی، بالاترین رفاه ممکن را برای انسان‌ها فراهم آورد.

### الف- طرفداران افزایش جمعیت

به اعتقاد پیروان این گروه امکانات طبیعت و کره زمین برای تغذیه و تأمین وسائل زندگی افراد بشر نامحدود و یا لاقط بسیار وسیع است. بنابراین نباید از ازدیاد نفوس آدمی بیم داشت. بلکه برعکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند به دنبال داشته باشد از آن استقبال کرد.

به‌طورکلی اکثر ادیان (خاصه ادیان الهی) طرفدار افزایش نفوس بوده، ازدیاد نسل و تکثیر اولاد را تشویق و جلوگیری از آن را غالباً نهی می‌کردند. اعتقاد بی‌حد و حصر بودن مواهب و نعم الهی و احترام به مخلوق پروردگار مبداء و منشاء این نظر به شمار می‌رود.

### ب- مخالفان افزایش جمعیت

در بین مخالفان افزایش جمعیت، چندین تمایل فکری مشخص به چشم می‌خورد، گروهی معتقد به وجود تضاد بین کمیت و کیفیت هستند و به اعتقاد آنها در طول تاریخ هر زمان که کمیت بر کیفیت غلبه کرده پیشرفت مادی و اجتماعی جامعه متوقف شده است. دسته‌ای نیز به تجربه تاریخ متوسل شده‌اند، اینان برای اثبات نظر خود مبنی بر مطلوب بودن جمعیت کم، جوامع کوچک و خوشبختی نظیر آتن و جمهوری‌های مستقل ایتالیا (در قرون وسطی) که علی‌رغم کمی جمعیت دوره‌های طلائی و درخشانی داشته‌اند را مثال می‌آورند. عده‌ای نیز کوشیده‌اند ثابت کنند که افزایش نفوس سرانجام به فقر و تیره‌روزی انسان‌ها و انهدام جامعه بشری منجر خواهد شد.

### پ- طرفداران جمعیت ثابت

از مشخصات بارز طرفداران جمعیت ثابت، محافظه‌کاری مفرط آنها است. اینان در واقع به هیچ نوع تحول و حرکتی -چه در جهت افزایش جمعیت و چه در جهت کاهش آن - معتقد نیستند. به تعبیر یکی از مفسران، این‌ها از اندیشه سقراط مبنی بر «اعتدال» پیروی می‌کنند. به اعتقاد ایشان وقتی تعداد نفوس یک جامعه به «حد کمال» خود رسید دیگر هیچ‌گونه دلیل و موجهی برای تغییرات پیوسته آن وجود ندارد.

به‌نظر طرفداران جمعیت ثابت، ثبات جمعیت از جهات مختلف و مخصوصاً از نظر اقتصادی دارای مزایای زیادی است. زیرا وقتی تعداد نفوس یک جامعه افزایش نیابد طبعاً اثرات و نتایج ناگوار در قانون بازده نزولی ظاهر نخواهد شد، و به هر یک از افراد جامعه سهم بیشتری از زمین و سرمایه خواهد رسید. به اعتقاد آنها، یک جامعه از امکانات اقتصادی و ثروت خود به چهار طریق می‌تواند استفاده کند. اول آن‌که به افزایش



جمعیت بپردازد. دوم آن که میزان آسایش و رفاه افراد خود را زیاد کند، سوم آن که میزان مصرف را افزایش دهد و چهارم آن که به پس انداز بیشتر بپردازد. بنابراین اگر جامعه‌ای اندیشه افزایش جمعیت را به کناری بنهد و از آن صرف نظر کند می‌تواند همه امکانات خود را به تأمین رفاه و مصرف بیشتر برای افراد جامعه و یا به پس انداز و سرمایه‌گذاری بیشتر اختصاص دهد.

### ت- طرفداران جمعیت متناسب

کوشش برای یافتن جمعیتی که با امکانات طبیعی و اقتصادی یک جامعه، متناسب و هماهنگ باشد سابقه‌ای کهن دارد. احتمالاً این اندیشه برای نخستین بار در زمان «کنفوسیوس» مطرح شد. فلاسفه چینی (که جامعه کشاورزی زمان خود را مدنظر داشتند) می‌کوشیدند مطلوب‌ترین میزان تراکم جمعیتی را که بتواند بیشترین محصول فردی را ایجاد نماید تعیین کنند. برای حصول این منظور، به دولت توصیه می‌کردند که با کوچ دادن نفوس نقاط پر جمعیت به مناطق کم جمعیت، تناسب لازم را برقرار کند. افلاطون و ارسطو نیز به هنگام توصیف جوامع ایدالی خود به موضوع «حد متناسب جمعیت» توجه کرده‌اند. آنها بر این باور بودند که جمعیت یک «دولت شهر» باید نه چندان اندک باشد که به استقلال اقتصادی و قدرت دفاعی آن صدمه بزند و نه چندان زیاد که اجرای اصول یک حکومت دموکراتیک را با دشواری روبرو کند. «حد متناسب جمعیت» نه تنها بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند بلکه بر حسب موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و تکنیکی نیز تغییرپذیر است. به طور خلاصه خدمت‌متناسب جمعیت مفهومی کاملاً تغییرپذیر دارد (همان: ۳۰-۲۹).

### جمعیت و توسعه

مشخص‌ترین جریان در مرحله فیزیکی توسعه، رشد جمعیت است. در این مرحله نخستین هدف تضمین بقاء جامعه در برابر حوادثی چون جنگ، قحطی و بیماری‌های مسری بود. اولین پیامد پیشرفت در حوزه کشاورزی توسعه قوا و توان دفاعی و گسترش شهرنشینی، همانا رشد جمعیت بود. در عصر مدرن، رشد جمعیت مانع توسعه به‌شمار

می‌آید تا شاخص آن. اما در قرون پیش، رشد جمعیت همواره بواسطه میزان توانایی جامعه برای حفظ بقاء تعداد بیشتری از افراد جامعه محدود می‌ماند. تا همین اواخر هر پیشرفتی در زمینه تولید و بهره‌وری کشاورزی و تهیه و تولید غذا به گسترش قابل توجهی در جمعیت می‌انجامید. قبل از ابداع کشت و زرع در ۱۰ هزار سال پیش جمعیت کل جهان از ۱۰ میلیون تن بیشتر نبود. و در ۸۰۰۰ سال بعد جمعیت جهان ۳۰ برابر یعنی ۳۰۰ میلیون نفر شد. از آن زمان تاکنون ۲۰ برابر دیگر رشد کرده است (یاگونبر، ۱۳۸۷: ۸۷).

در مورد رابطه جمعیت و توسعه باید گفت این رابطه پیچیده‌تر از آن است که بتوان تعمیمی واضح و قضاوتی مطلق در مورد آن به‌دست داد؛ این که رشد جمعیت محرک توسعه است یا مانع توسعه، بستگی به میزان و شتاب رشد جمعیت از یک سو و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی جامعه از سوی دیگر دارد. در هر حال تا آن جایی که رشد جمعیت مانعی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی نباشد این رشد می‌تواند مطلوب تلقی شود.

مطالعاتی که در زمینه رابطه جمعیت و توسعه صورت گرفته مبین آن است که رشد جمعیت تا حدی محرک توسعه است. بعد از انقلاب صنعتی، رشد سریع جمعیت وجود داشته و بعد از انقلاب صنعتی است که این دستاوردهای عظیم از نقطه نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌دست آمده. یعنی ما هم رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی را داشته‌ایم و هم رشد جمعیت را، البته این یک بیان کلی است. در اینجا اگر کشورهای صنعتی و کشورهای به اصطلاح جهان سوم را مجزا در نظر بگیریم تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد، در کشورهای صنعتی، در طول قرن ۱۹ رشد جمعیت محرک توسعه بوده، یعنی همزمان با رشد نسبتاً سریع جمعیت، توسعه اقتصادی و اجتماعی هم در این کشورها به‌وجود آمده است. منتهی شتاب رشد جمعیت در اروپای قرن نوزدهم به مراتب خفیف‌تر از رشد جمعیت کشورهای جهان سوم در چند دهه اخیر بوده است، علاوه بر آن در اروپا از اواخر قرن نوزدهم زاد و ولد تنزل پیدا کرد و در نتیجه آن در اوایل قرن بیستم رشد جمعیت به رقمی ناچیز تقلیل یافت. لذا می‌توان گفت که در اثر توسعه اقتصادی و اجتماعی شرايطی به‌وجود آمده که سطح زاد و ولد و به دنبال آن رشد جمعیت تنزیل می‌یابد.

با ارتقای شاخص‌های توسعه، ساخت و بافت و ترکیب جامعه پذیرای سطح نازل‌تری

از زاد و ولد می‌شود. وقتی بحث از به تعادل کشاندن رشد جمعیت از طریق کاهش دادن سطح زاد و ولد و باروری می‌شود، صاحب‌نظران چنین عنوان می‌کنند که مهم‌ترین عاملی که می‌تواند زاد و ولد را تنزل دهد توسعه است. یعنی وقتی شاخص‌های توسعه در یک جامعه ارتقا پیدا بکند خود این ارتقای شاخص‌های توسعه، زاد و ولد را پایین می‌آورد. در این زمینه مهم‌ترین جنبه ارتقاء، سطح سواد و تحصیلات است. سطح سواد و تحصیلات مهم‌ترین شاخص توسعه اجتماعی و فرهنگی است. مطالعاتی که در زمینه رابطه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و سطح زاد و ولد و باروری صورت گرفته همواره رابطه معکوس میان سطح سواد و تحصیلات به‌خصوص سطح سواد و تحصیلات زنان با سطح باروری را به‌خوبی نشان داده است.

پس به‌طور خلاصه می‌توان چنین عنوان کرد که ازدیاد رشد جمعیت در ابتدا محرک توسعه است، ولی وقتی توسعه تحقق پیدا کرد یعنی معیارهای زیستی و سطح زندگی ارتقا یافت شرایطی ایجاد می‌شود که زاد و ولد و باروری به سطحی پایین انتقال یافته و در نتیجه رشد جمعیت تنزل پیدا می‌کند (میرزائی، ۱۳۸۴: ۵۰ و ۵۱).

رشد جمعیت نقشی متضاد در فراگرد توسعه را ایفا می‌کند و می‌تواند هم به‌عنوان عامل برانگیزنده و هم عامل بازدارنده رشد و توسعه عمل کند. از یک سو، با توجه به تأثیر مخالف رشد جمعیت بر پس‌انداز و سرمایه‌سرانه، افزایش جمعیت می‌تواند موجب کاهش رفاه شود، از سوی دیگر، افزایش جمعیت و نیروی کار بر اثر یادگیری، تخصص و صرفه‌جویی‌های مقیاس و ایجاد بازارهای وسیع‌تر، حجم تولید بیشتر را امکان‌پذیر می‌سازد. اما مسئله دیگری که در رابطه با جمعیت وجود دارد مربوط به نقشی است که ساختار جمعیت می‌تواند در هزینه‌های دولت ایفا کند. یکی از مسائل مربوط به جمعیت این است که بودجه دولت تا حدود زیادی ممکن است متأثر از ساختار سنی جمعیت باشد (سوری، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

در سال‌های اخیر، اقتصاددانان بنحو فزاینده‌ای به رابطه بین توسعه اقتصادی و رشد جمعیت توجه داشته‌اند. مشکل‌ترین مسئله در تحلیل چنین رابطه‌ای جدا کردن علت از معلول بوده است. آیا توسعه اقتصادی، آهنگ رشد جمعیت را تسریع یا کند می‌کند یا رشد سریع جمعیت باعث تسریع یا تأنی توسعه اقتصادی می‌شود. دقت در چگونگی اثرگذاری این دو برهم با توجه به اوضاع و احوال متفاوت، جلوه‌های گوناگونی را

نمایان می‌کند و زاویه‌های فکری و فرهنگی خاصی را فراهم می‌آورد که در مجموع می‌توان آنها را به سه گروه زیر رده‌بندی کرد:

کسانی که طرفدار افزایش جمعیت هستند و بر این باورند که افزایش جمعیت به توسعه اقتصادی می‌انجامد، و در مواردی که بین آن دو تناقضی پیش آید، اقتصاد باید خود را با جمعیت هماهنگ کند.

کسانی که جمعیت را تابع اقتصاد قرار می‌دهند، و این عقیده را پیش می‌برند که جمعیت باید خود را با الزامات توسعه هماهنگ سازد.

کسانی که هیچیک از این دو نظریه را نمی‌پذیرند و به تلفیق اقتصاد و جمعیت در یک نظام برنامه‌ریزی می‌پردازند و چگونگی رشد و توسعه هر یک از آنها را نیز تابع اوضاع و احوال زمانی و مکانی خاص می‌دانند (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

در حقیقت رشد جمعیت و توسعه اقتصادی هیچگاه از هم جدا نبوده و در رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر هستند. بنظر می‌رسد پیشرفت کلی کشورها ضریب زاد و ولد را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر ضریب پایین زاد و ولد دارویی مقوی برای رشد اقتصادی است. کشورهایی با فرهنگ مشابه و ضریب پایین زاد و ولد و رشد، درآمد سرانه‌شان رو به افزایش است و این همه توأم است با شهرنشینی بیشتر، باسوادان بیشتر، توسعه بیشتر صنایع و خدمات بیشتر. اما این زنجیره پیشرفت در مورد کشورهای که نظام فرهنگی متفاوت دارند، صدق نمی‌کند. در بعضی از کشورها، مراحل اولیه رشد اقتصادی ممکن است توأم با رشد ضریب زاد و ولد باشد زیرا مادران، کمتر سقط جنین می‌کنند و شیر دادن که نوعی جلوگیری از بارداری به شیوه طبیعی است، کاهش می‌یابد. اما این افزایش زاد و ولد موقت است (هریسون، ۱۳۶۴: ۲۸۶).

### مناسبات جمعیت و توسعه در ایران

نگاهی اجمالی به مطالعات صورت گرفته در کشور در زمینه روابط جمعیت و توسعه نشان می‌دهد که مناسبات چندسطحی، تنگاتنگ و پیچیده‌ای بین جمعیت و توسعه برقرار است. در نتیجه، سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی نمی‌تواند مستقل از برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه باشد و بالعکس. جمعیت و مولفه‌های مختلف آن از جمله "تعداد مطلق جمعیت"، "تراکم جمعیتی"، "رشد جمعیتی"، "خصوصیات و کیفیت‌های خاص جمعیت" و شاید مهم‌تر از همه، مولفه‌های مربوط به حرکات جمعیتی (یعنی مرگ‌ومیر،

باروری و مهاجرت) مناسبات تنگاتنگی با توسعه و ابعاد مختلف آن شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند. بدنه دانش و ادبیات پژوهشی موجود درباره‌ی مناسبات جمعیت و توسعه مؤید آن است که تحولات کمی و کیفی جمعیت این استعداد و قابلیت را دارد که روی مولفه‌های خاص توسعه تأثیرگذار باشد، در حالی که از آنها تأثیر نیز می‌پذیرد (قاضی طباطبائی: ۱۳۸۸: ۱۹۱).

در ارتباط با تأثیر جمعیت و متغیرهای جمعیتی روی توسعه در ایران، شواهد حاکی از آن است که افزایش جمعیت در طول سه دهه گذشته باعث شده است که رشد اقتصادی تحت‌الشعاع قرار گرفته و در نتیجه شاخص‌های اقتصادی سرانه تغییر چندانی نکند. مروری بر شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که این شاخص‌ها اگرچه بیش از هر چیز تحت تأثیر قیمت نفت بوده ولی ارتباط آنها با جمعیت هنوز وجود دارد و رشد جمعیتی که به‌ویژه در دوره زمانی یک دهه بعد از انقلاب اسلامی در کشور اتفاق افتاده، تا به امروز تأثیر خود را در پایین نگه داشتن شاخص‌های اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه حفظ کرده است (همان: ۱۹۲).

تأثیر نامناسب رشد جمعیت روی منابع موجود و نیز زیست بوم کشور از دیگر مواردی است که یافته‌های پژوهش انجام شده توسط محمود قاضی طباطبائی در کنار دیگر مطالعات صورت گرفته در این حوزه بر آن صحنه گذاشته است. روند بهره‌کشی از منابع طبیعی با رشد جمعیت کشور در طول سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۷ رابطه داشته است. مسلماً تأمین نیازهای یک جمعیت با حجم بزرگ و رو به رشد، می‌تواند موجبات تخریب محیط زیست را در ابعاد مختلف آن و استفاده بیش از توان تحمل سرزمینی را به همراه آورد. به‌طور کلی همه شاخص‌های زیست‌محیطی به روشنی تشدید و تسریع در روند تخریب محیط زیست به همراه افزایش جمعیت را نشان می‌دهند (همان: ۱۹۳).

### تحول ساخت سنی جمعیت

توزیع سنی جمعیت ایران در گذشته همانند سایر کشورها و مناطق، دارای ساختمانی جوان بود و هرم سنی آن پایه‌ای گسترده داشت. در چنین وضعیتی همواره نسبتی بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار می‌گیرند. لذا به جرات می‌توان گفت که تا سال ۱۳۶۵ همواره بیش از ۴۰ درصد از جمعیت ایران در سنین کمتر

از ۱۵ سال قرار داشته اند. هر چند در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ میزان باروری در کشور اندکی کاهش پیدا کرد، ولی این کاهش در حدی نبود که تأثیر اساسی و معنی دار بر ساختار و توزیع سنی جمعیت داشته باشد.

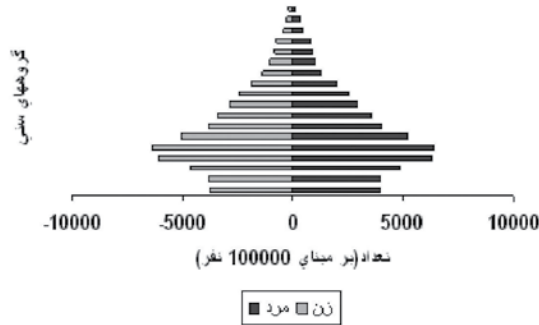
### جدول شماره ۱- توزیع نسبی (درصد) جمعیت کشور بر حسب گروههای عمده سنی طی سالهای ۸۵-۱۳۳۵

گروههای سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
ساله ۰-۱۴	۲/۴۲	۱/۴۶	۵/۴۴	۵/۴۵	۵/۳۹	۲۵/۱
ساله ۱۵-۶۴	۸/۵۳	۴/۵۰	۵۲	۵/۵۱	۱/۵۶	۶۹/۷
ساله و بیشتر ۶۵	۴	۵/۳	۵/۳	۳	۴/۴	۵/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۳۵

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود تا سال ۱۳۶۵ حدود ۴۵ درصد از جمعیت کشور در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار داشتند که دلالت بر جوانی جمعیت در ایران دارد. در سال ۱۳۷۵ برای اولین بار مشاهده شد که نسبت درصد جمعیت کمتر از ۱۵ سال در ایران به رقمی کمتر از ۴۰ درصد رسید. هر چند رقم ۳۹/۵ در صد برای جمعیت ۰-۱۴ ساله در سال ۱۳۷۵ تفاوت بارزی را از رقم ۴۰ در صد نشان نمی دهد، ولی می تواند به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در ساختار جمعیت ایران تلقی شود. چنانچه نسبت در صد جمعیت کمتر از ۱۵ سال در سال ۱۳۶۵ با رقم متناظر آن در سال ۱۳۷۵ یعنی ۳۹/۵ مقایسه شود، تغییر بوجود آمده که ۵ رقم کاهش را نشان می دهد، نمود بارزتری خواهد داشت و در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۲۸/۸ درصد رسیده است. چنین افت سریع و بی سابقه ای در نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ سال در سالهای بعد از ۱۳۶۵ به سبب شروع کاهش باروری در اواخر دهه ۱۳۶۰ و استمرار آن در دهه بعد بوده است.

## نمودار شماره ۱- هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵



همزمان با سیر نزولی ضریب جوانی جمعیت، نسبت جمعیت بالقوه فعال (۶۴ - ۱۵ساله) کشور نیز از ۵۱/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۹/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و نسبت جمعیت سالخورده (۶۵ساله و بیشتر) از ۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۵/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ صعود کرده است. علی‌رغم کاهش جمعیت ۱۴-۰ساله کشور در سال ۱۳۸۵ درصد جمعیت ۱۵-۲۹ساله از ۲۸/۴ در سال ۱۳۷۵ به ۳۵/۴ در سال ۱۳۸۵ رسیده است و بیانگر اینست که بیش از یک سوم جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ در سنین جوانی (۱۵-۲۹ساله) قرار داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۲- تحولات تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت جوان کشور طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵

سال	کل جمعیت (هزار نفر)	جمعیت جوان ۱۵-۲۹ ساله (هزار نفر)	سهم جمعیت جوان از جمعیت کشور (درصد)	متوسط رشد سالانه (درصد)	
				کل جمعیت	جمعیت جوان
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۸۵۰۴	۲۵/۲	-	-
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۱۳۰۳۸	۴/۲۶	۹۱/۳	۳/۴
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۱۷۰۴۶	۴/۲۸	۹۶/۱	۷/۲
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵	۲۴۹۶۳	۴/۳۵	۶۱/۱	۹/۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵

جوانی شدیدتر و ضریب بالاتر پیری در جمعیت روستایی کشور در مقایسه با جامعه شهری تا حدود زیادی برخواسته از عامل برون کوچی جمعیت روستا نشین کشور می باشد. به خصوص آن که عمده جمعیت مهاجر روستایی را جمعیت ۴۰ - ۱۵ساله تشکیل می دهند.

### تحولات ساختار سنی

با کاهش میزان مولید و به دنبال آن کاهش مرگومیر نوعی تحول اساسی در انتقال جمعیتی ایجاد می شود که مشخصه آن تحول در ساختار سنی جمعیت است که از آن بعنوان پنجره جمعیتی یاد می شود. رز (۲۰۰۴) معتقد است پنجره جمعیت زمانی رخ می دهد که در اثر کاهش میزان‌های باروری، توزیع و ترکیب سنی جمعیت تغییر کند، به این معنا که سرمایه‌گذاری‌های کمتری برای برآورده کردن نیازهای گروه‌های سنی جوان لازم است و منابع سرمایه‌گذاری برای توسعه اقتصادی و رفاه خانوارها آزاد می شود. به عبارت دیگر کاهش میزان‌های باروری باعث کاهش جمعیت در گروه‌های سنی کودک و نوجوان می شود و در عوض گروه‌های سنی فعال و در سن کار افزایش می یابد. این



مسئله باعث کاهش بار وابستگی خانواده‌ها و رشد اقتصادی سریع‌تر می‌شود (مشفق، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

پنجره جمعیتی از طریق سه ساز و کار، یعنی افزایش عرضه نیروی کار، پس انداز و سرمایه‌انسانی که بطور متقابل روی هم اثر دارند رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، پنجره جمعیتی به اشکال متفاوتی منجر به بروز فرصت‌ها برای رشد تولید سرانه می‌شود؛ از طریق تأثیر ساختار سنی روی تولید ناخالص داخلی کل که بعلت افزایش نسبت‌های جمعیت در سنین کار بالا می‌رود، یعنی تعداد تولیدکنندگان نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد. این وضعیت، بطور طبیعی برای افزایش تولید سرانه مناسب است (بلوم، ۲۰۰۳). کاهش باروری همچنین منجر به «اثر ترکیبی» از طریق خارج کردن زنان از مسئولیت‌های پرورش و نگهداری بچه و توانمند نمودن آنها برای وارد شدن به بازار کار و «اثرات رفتاری» می‌شود که از طریق تغییرات ساختار سنی به اشکال مختلفی خودش را نشان می‌دهد. بدنبال تغییر در چرخه زندگی جمعیت، در مصرف و پس انداز نیز تغییر ایجاد می‌شود، افزایش پس انداز موجب افزایش سرمایه می‌شود. اثر دیگر رفتاری می‌تواند این باشد که با تغییر نگرش نسبت به موقعیت زنان، ورود آنها به آموزش عالی بیشتر می‌شود و در نتیجه زنان آموزش دیده‌تری وارد بازار کار می‌شوند. کل این تغییرات رفتاری بطور بالقوه موجب افزایش تولید سرانه در آینده می‌شود (همان: ۱۹۸).

باید توجه داشته باشیم که این پنجره جمعیتی از لحاظ زمانی موقتی است، با گذشت زمان و با ورود گروه‌های بزرگسال جمعیتی به دوره‌های سالمندی، ساختار سنی دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد و قابلیت تولید آنها کاهش خواهد یافت. در این مرحله مجدداً نسبت‌های وابستگی افزایش خواهد یافت و سطوح انتقالات بین نسلی تغییر خواهد کرد. در این شرایط مسئله اساسی، تأمین نیازها و حمایت از سالمندان خواهد شد.

در سال ۱۳۸۵، ۲۵/۰۸ درصد از کل جمعیت ایران زیر ۱۵ سال، ۷۰ درصد بین ۶۴-۱۵ سال و ۵/۱۹ درصد در گروه سنی سالخورده قرار داشته‌اند. از اینرو، افزایش جمعیت در سنین فعالیت در ایران موجب آغاز فاز پنجره جمعیتی شده است و بر اساس برآوردهای ساختار سنی، انتظار می‌رود که تا ۵۰ سال آینده این وضعیت ادامه داشته باشد. این

تغییرات، منجر به تغییر در نسبت‌های وابستگی می‌شود. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که بار وابستگی کل در سال ۱۳۸۵ برابر ۴۳ درصد بوده که نشان می‌دهد در مقابل هر ۱۰۰ نفر جمعیت واقع در سنین فعالیت حدود ۴۳ نفر خارج از سن فعالیت قرار داشته‌اند. این نسبت تا سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۱ درصد کاهش خواهد یافت، که عمدتاً در اثر افت باروری در دهه گذشته می‌باشد. اما در دهه بعدی یعنی بین سال‌های ۱۴۰۵-۱۳۹۵ مجدداً بار وابستگی کل افزایش نشان خواهد داد، که عمدتاً بدلیل باروری نسل‌های ازدواجی توده‌ای خواهد بود. این واقعیت نشانگر آن است که گرچه میزان‌های باروری به روند کاهشی خود ادامه خواهد داد، اما تعداد مطلق تولدها در دهه ۱۳۹۰ افزایش نشان خواهد داد و این افزایش به افزایش بار وابستگی منجر خواهد شد. از سال ۱۴۰۵ به دلیل خنثی شدن اثرهای موقتی افزایش موالید مجدداً میزان وابستگی تا سال ۱۴۲۰ کاهش خواهد بود (همان: ۱۹۹).

### ساخت جنسی جمعیت

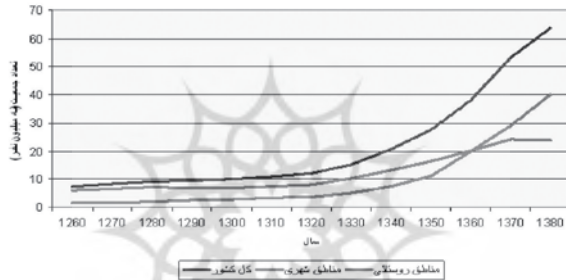
معمولاً تغییر ترکیب ساخت جنسی یک جامعه مربوط به دخالت عواملی چون باروری، مرگ و میر و مهاجرت است. در ایران نسبت جنسی حالت طبیعی و متعارف دارد. چون با وجود جنگ تحمیلی و خروج شماری از پناهندگان افغانی از ایران نسبت آن به کمتر از ۱۰۳/۵ درصد، متشکل از ۱۰۳/۸ درصد در نقاط شهری و ۱۰۳/۱ درصد در مناطق روستائی (در سال ۱۳۸۵) رسیده است. هر چند در مقایسه با ارقام متناظر در سال ۱۳۷۵ (به ترتیب ۱۰۳/۸، ۱۰۵/۷ و ۱۰۱/۶ درصد) تا حدودی تقلیل یافته است. معمولاً همراه با توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه و کاهش میزان مرگ و میر نسبت جنسی جمعیت نیز کاهش می‌یابد. در ایران نیز نسبت جنسی جمعیت طی سال‌های سرشماری (۸۵-۱۳۴۵) به تدریج کاهش یافته است که عامل اصلی آن کاهش مرگ و میر عمومی و مرگ و میر اطفال می‌باشد.

### شهرنشینی و شهرگرایی

کشور ایران مانند بسیاری از جوامع، در حال طی کردن مسیر شهرنشینی شدن است هر

چند سرعت این تحول، حتی نسبت به بسیاری از جوامع در حال توسعه نیز بیشتر بوده است. میزان شهرنشینی در کشور ما در ۸۰ سال اخیر بیش از سه برابر شده و از ۱۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ از حدود ۵/۹ میلیون نفر به بیش از ۴۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است و در نتیجه ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت غالباً روستایی و عشایری به ترکیب «اکثرأ شهرنشین» مبدل شده است.

### نمودار شماره ۲- روند تحولات جمعیت ایران در سالهای ۱۳۸۰-۱۲۶۰ به تفکیک مناطق شهری و روستایی



بررسی تحولات شهرنشینی در کشور نشان می‌دهد که تعداد محدودی از کلان شهرها بخش عمده‌ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جلب و جذب کرده‌اند و از آنجا که زیرساخت‌های آماده‌ای وجود نداشت تبعات اقتصادی، اجتماعی ناخواسته فراوانی بر نظام اجتماعی شهرها تحمیل شده است. در ایران، پایتخت به عنوان مادرشهر اصلی به تنهایی یک چهارم از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است. از این رو با توجه به روستایی بودن منشاء اکثر جمعیت نقاط شهری، شهرهای ایران را می‌توان شهرهای مهاجرتی یا شهرهای مهاجران نامید.

تحول شهرنشینی در ایران تا حدودی تابع سیاست‌های دولت و از آن جمله نحوه اجرای قوانین تقسیمات کشوری است. به عنوان مثال به دنبال تغییر تعریف شهر در سالهای اخیر تعداد شهرها به شدت افزایش یافته و از ۶۱۲ شهر در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۱۲ شهر در

۱- Migrants cites

سال ۱۳۸۵ رسیده است. تعداد استانها نیز همواره رو به افزایش بوده و به تبع آن تعداد نقاط شهری نیز افزایش یافته است، زیرا استانهای جدید سعی می کنند با تبدیل نقاط روستایی بیشتر به شهر و شهرستان از امتیازات بیشتری مانند، اعتبارات عمرانی و جاری برخوردار شوند.

تبدیل وضع تعداد زیادی از روستاها به شهر بدون تغییر در زیربنای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آنها ممکن است به افزایش ضریب شهرنشینی کشور کمک کند ولی این افزایش نمی تواند ناشی از توسعه یافتگی باشد.

با توجه به این مطالب می توان استنباط نمود که توسعه جمعیت شهری در ایران صرفاً ناشی از توسعه نبوده و تغییر در تعاریف و مهاجرت های روستا شهری که عمدتاً ناشی از توسعه نابرابر می باشد از عوامل اصلی به شمار می آیند.

### مشخصه های باروری و زاد و ولد جمعیت ایران

تحولات باروری در ایران در طول دوره زمانی ۷۹-۱۳۵۱ سه فاز متفاوت را پشت سر گذاشته است. میزان باروری کل از حدود ۷/۷ بچه در سال ۱۳۴۵ به ۶/۵ بچه در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت، سپس بعد از انقلاب اسلامی تحت تأثیر رویکرد و شرایط موافق افزایش موالید دوباره باروری تا پایان دهه ۱۳۵۰ افزایش و به ۷/۰ بچه رسید. با اینحال، این روند باروری بالا کوتاه مدت بود و باروری در میانه دهه ۱۳۶۰ شروع به کاهش نمود. بطوری که باروری کل از ۷ بچه سال ۱۳۶۰ به حدود ۵/۵ بچه در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. چنین کاهش قبل از اتخاذ و اجرای سیاست جمعیتی دولت یعنی برنامه جدید تنظیم خانواده بوده است. بعد از اجرای این برنامه، کاهش باروری با سرعت بیشتری دنبال شد و از ۵/۵ بچه سال ۱۳۶۷ به حدود ۲/۸ بچه در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت و سپس در سال ۱۳۷۹ به سطح جایگزینی رسید (عباسی شوازی، ۱۳۸۸: ۴۲).

جدول شماره ۳- تحولات میزانهای موالید و باروری کل در ایران طی سالهای ۱۳۳۵-۸۵

سال	میزان موالید (در هزار)	میزان باروری کل
۱۳۳۵	۵۴	۸/۶
۱۳۴۵	۴۹	۴/۸
۱۳۵۵	۳۷	۵/۵
۱۳۶۵	۳۹	۸/۵
۱۳۷۵	۲۰/۵	۸/۲
۱۳۸۵	۱۶/۳	۱/۲

از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش سطح باروری ایران در دهه ۷۵-۱۳۶۵ اجرای سیاستهای تنظیم خانواده توسط دولت، افزایش سطح سواد و تحصیلات در کشور به ویژه برای بانوان، بالا رفتن سن ازدواج، گسترش شهرنشینی، شوک اقتصادی و افزایش هزینه های زندگی در اثر تورم اقتصادی و بالاخره تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به تعداد فرزند و در مقابل اهمیت یافتن بعد کیفی تعلیم و پرورش اولاد در سالهای اخیر است.

یکی از عوامل اصلی کاهش میزان باروری در ایران افزایش سطح سواد و تحصیلات زنان می باشد. که یکی از شاخص های توسعه به حساب می آید بنابراین می توان گفت که افزایش سطح توسعه انسانی در کشور باعث کاهش باروری شده است.

با توجه به روند کاهشی باروری در ایران، سؤالی که ممکن است مطرح شود ادامه روند کاهشی باروری و رسیدن به سطح باروری خیلی پائین در کشور (باروری پائین تر از ۱/۵ فرزند) است. علیرغم کاهش باروری در سالهای اخیر، به نظر می رسد رسیدن به باروری سطح خیلی پائین در آینده نزدیک برای کشور ممکن نیست و انتظار می رود که تا مدتی نسبتاً طولانی میزان باروری کل در سطح حدود ۱/۶ تا ۱/۹ فرزند بماند و کاهش بیشتر آن به شرایط خاصی بستگی دارد. در حال حاضر کشور ژاپن دارای باروری کل ۱/۴ و کشور اسپانیا دارای باروری کل بین ۱/۷ و ۱/۸ در نوسان است (تولمون، ۲۰۰۱). این در حالی است که در این کشورها اولاً، الگوی ازدواج دستخوش تحولات اساسی

شده و درصد قابل توجهی از زوجین خارج از حیطه ازدواج با هم رابطه داشته و به صورت همزیستی زندگی می‌کنند. عمومیت ازدواج در کشورهای فوق نیز پایین تر از کشورهای در حال توسعه و به ویژه در ایران می‌باشد. ثانیاً، سن ازدواج و فرزندآوری در کشورهای فوق افزایش یافته است. ثالثاً، میزان اشتغال زنان در این کشورها بالاست و درصد زیادی از زنان به کارهای اقتصادی خارج از منزل اشتغال دارند و همین امر بر الگوی ازدواج و فرزندآوری آنها تأثیر گذاشته است. بروز چنین تحولاتی در ایران در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد و بنابراین رسیدن به باروری خیلی پائین (۱/۵) با واقعیات اجتماعی و فرهنگی موجود منطبق نیست (عباسی، ۱۳۸۸: ۴۷).

### مشخصه های مرگ و میر جمعیت ایران

کشور ایران طی چند دهه اخیر در حال گذار و انتقال جمعیتی بوده است. اولین مرحله این انتقال، گذار مرگ و میر است که از اوایل قرن چهاردهم شمسی آغاز شده است. در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، گذار مرگ و میر در ایران بسیار دیرتر از کشورهای توسعه یافته آغاز شد، ولی بسیار تند به پیش رفت. به این معنی که آهنگ کاهش در سطح مرگ و میر ایران به مراتب تندتر از آهنگ کاهش در سطح مرگ و میر کشورهای توسعه یافته بوده است. به طوری که میزان مرگ و میر کودکان طی یک دوره ۸۰ ساله از حدود ۳۰۰ در هزار در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به ۲۷ در هزار در سال ۱۳۸۵ تقلیل یافته است. علیرغم این کاهش چشمگیر، یکی از چالش های جمعیتی ایران در مقایسه با سایر کشورها، حتی کشورهای منطقه خاور میانه مثل بحرین، قطر و کویت، بالا بودن سطح مرگ و میر کودکان است.

کم توجهی به مسأله توزیع متعادل و متوازن امکانات و منابع، موجب تفاوت های پایدار در دستیابی به درآمد، تغذیه، تحصیلات، مسکن، آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و در نتیجه نابرابری در کاهش مرگ و میر کودکان در درون مناطق و همچنین بین مناطق مختلف کشور شده است.

## جدول شماره ۴- میزانهای مرگ و میر و امید زندگی در ایران در سالهای ۱۳۵۵-۱۳۸۵

سال	میزان مرگ و میر کودکان	میزان مرگ و میر کودکان	میزان مرگ و میر مادران (در صد هزار)	میزان خام مرگ و میر	امید به زندگی در بدو تولد مردان زنان
۱۳۵۵	۱۱۴	-	۲۷۷	۱۱/۵	۵۷/۴ ۵۷/۶
۱۳۶۵	۶۴	۷۰	۱۴۰	۸/۸	۵۹/۳ ۵۸/۵
۱۳۷۰	۵۳	۴۲	۵۴	۹/۷	۶۲/۲ ۶۲/۴
۱۳۷۵	۳۴	۳۳	۳۷	۰/۷	۶۹/۸ ۶۷
۱۳۸۵	۲۷	۳۰	۳۴	۵/۵	۷۲ ۷۰

منبع: صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰

کاهش مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته پس از انقلاب پزشکی و انقلاب صنعتی و تقویت زیربنای اقتصادی اجتماعی و پاکسازی محیط آغاز گردید در صورتیکه در کشورهای در حال توسعه از جمله در کشور ما با ورود امکانات پزشکی بدون تغییرات اساسی در زیربنای اقتصادی اجتماعی میزان مرگ و میر عمومی و مرگ و میر اطفال بصورت چشمگیری کاهش یافتند. بنابراین نمی توان به صراحت اعلام نمود که بین کاهش میزان مرگ و میر و توسعه ارتباط وجود دارد.

### تحول وضع سواد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۵۸ درصد از مردان ۶ ساله به بالا و حدود یک سوم (۳۵/۴ درصد) از زنان ۶ ساله به بالا در کشور باسواد و بقیه بی سواد بودند. این ارقام نشان می دهد که در سالهای نزدیک به انقلاب اسلامی هنوز بیش از نیمی از جمعیت ۶ ساله به بالای کشور از نعمت سواد برخوردار نبودند ولی به دلیل اشاعه فعالیت های آموزشی در کشور و توسعه شهرنشینی در ۳۰ سال اخیر به تدریج بر میزان باسوادی جمعیت کشور اضافه گردید به طوری که براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ حدود ۸۵ درصد از جمعیت ۶ ساله به بالای کشور باسواد بودند. این افزایش در مورد زنان چشمگیر بوده و به حدود ۸۰

درصد رسیده است. اشاعه میزان باسوادی در میان جمعیت جوان کشور (۱۵ تا ۲۹ ساله) خیلی زیاد بوده و حتی در مورد زنان بیش از مردان است و به یقین می‌توان گفت که در بین این گروه سنی بی‌سوادی در حال ریشه‌کن شدن می‌باشند.

نکته مهم دیگر افزایش سهم افراد با تحصیلات عالی در کشور در سال‌های اخیر می‌باشد به طوری که در سال ۱۳۶۵ در مقابل هر یکصد هزار نفر جمعیت ۱۱۸۹ فرد با تحصیلات عالی وجود داشت در صورتیکه این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۶۱۴۳ نفر رسیده است. این افزایش نیز در مورد زنان قابل توجه است. به طوری که از ۶۶۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۵۲۲۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. ادامه‌ی این روند به توسعه سطح علمی کشور منجر خواهد شد.

افزایش سطح سواد و تحصیلات در کشور به‌عنوان یکی از متغیرهای مداخله‌گر در شاخص‌های توسعه می‌تواند به ارتقاء سطح توسعه جامعه کمک مؤثر بنماید.

### تحول وضع فعالیت و اشتغال جمعیت ایران

تجربه ایران در خصوص تحولات جمعیتی نشان می‌دهد که علیرغم کند شدن آهنگ میزان رشد جمعیت به دلیل تأثیر تحولات متغیرهای جمعیتی (افت باروری) و میزان رشد قابل توجه جمعیت فعال کشور (به دلیل ساختار سنی جمعیت)، شکاف موجود میان جمعیت فعال و جمعیت شاغل در اقتصاد ایران نمود بیشتری داشته و از ابعاد گوناگونی حیات اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر چند، تحلیل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مشارکت اقتصادی جمعیت ایران در دو دهه اخیر نشانگر افت و خیزهای محسوس در این زمینه است. جدول (۷) تحولات درصد رشد سالانه برخی از شاخص‌های مشارکت اقتصادی جمعیت کشور را در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد. بطوری که ملاحظه می‌شود نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت در دهه اخیر (۸۵-۱۳۷۵) کاهش داشته و در مقابل، نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت افزایش محسوسی داشته است. نسبت بیکاران به جمعیت فعال در این دهه رشد قابل توجهی نموده است که بحران بیکاری را تأیید می‌کند.



جدول شماره ۵- تحولات برخی از شاخص‌های مشارکت اقتصادی جمعیت کشور طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ (درصد)

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	شاخص مشارکت اقتصادی
۸۴/۴	۷۵/۶	۶۶/۵	نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت
۳/۳۳	۷/۲۶	۲۶/۰	نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت
۴/۳۹	۳/۳۵	۳۹/۱	نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۹/۲۹	۶/۴۲	۴/۳۴	نسبت محصلین به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۳/۸۷	۹/۹۰	۸/۸۵	نسبت شاغلان به جمعیت فعال
۷/۱۲	۱/۹	۱/۱۴	نسبت بیکاران به جمعیت فعال

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵

به‌همراه اجرای برنامه‌های اشتغال‌زایی در کشور میزان رشد سالانه تعداد شاغلین در دهه‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیش از رشد سالانه جمعیت کشور می‌باشد. به‌طوری‌که در دهه‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ رشد سالانه جمعیت کشور مساوی ۱/۹۶ درصد بوده در صورتی‌که رشد سالانه جمعیت شاغل کشور مساوی ۲/۸ درصد بوده است. همچنین در دهه‌ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ رشد سالانه جمعیت کشور ۱/۶۱ درصد بوده ولی رشد سالانه شاغلین ۳/۵ درصد بوده است. البته این افزایش به‌میزان زیادی ناشی از تغییر ساختار سنی جمعیت کشور و افزایش تعداد متقاضیان کار می‌باشد و علی‌رغم رشد دو برابری تعداد شاغلین نسبت به رشد سالانه جمعیت کشور تعداد بیکاران نیز با رشد بیشتری همراه می‌باشد.

نکته مهم دیگر رشد بیشتر جمعیت با تحصیلات عالی در این دو دهه می‌باشد که این امر نیز ناشی از گرایش بیشتر جوانان به ادامه تحصیل می‌باشد.

ارقام مندرج در جدول ۶ به‌خوبی نشان‌دهنده رشد بالای جمعیت بیکار کشور در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و جمعیت با تحصیلات عالی در هر دو دوره می‌باشد. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که سیاست‌های اشتغال‌زایی در کشور هنوز نتوانسته پاسخگوی ایجاد شغل برای تمامی کار باشد.

جدول شماره ۶- درصد رشد سالانه بیکاران و بیکاران با تحصیلات عالی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ به تفکیک جنس

۱۳۸۵ تا ۱۳۷۵	۱۳۷۵ تا ۱۳۶۵	جنس	
۴/۷	۲/۲-	کل	کل بیکاران
۱/۶	۲/۲-	مرد	
۱/۱۲	۰/۲-	زن	
۴/۲۰	۸/۵	کل	بیکاران با تحصیلات عالی
۸/۱۵	۴/۴	مرد	
۷/۲۶	۵/۹	زن	

### جمع‌بندی

جمعیت ایران در بستر فرایند انتقال جمعیتی در طول یک قرن اخیر تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه نموده است. آهنگ‌های بالای رشد جمعیتی یکی از ویژگی‌های بارز جمعیت ایران طی این قرن بوده است. تعداد جمعیت در طول مدت ۸۵ سال اخیر بیش از ۷ برابر شده و از ۱۰ میلیون نفر سال ۱۳۰۰ به ۷۰/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. علیرغم این روند کلی، سرعت و شتاب افزایش جمعیت با نوساناتی همراه بوده است. جمعیت کشور که در دهه‌ی ۴۵-۱۳۳۵، با آهنگ رشد ۳/۱ درصد افزایش یافته بود، در دهه بعدی (۵۵-۱۳۴۵) به دلیل اعمال برنامه تنظیم خانواده به آهنگ رشد ۲/۷ درصد کاهش یافت. اما طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ با توجه به شرایط و بستر اجتماعی و سیاسی بعد از انقلاب، آهنگ رشد جمعیت مجدداً افزایش یافت و به بالاترین سطح خود در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران یعنی حدود ۴ درصد رشد سالانه رسید. این میزان بالای رشد جمعیت، زنگ خطری برای افزایش بیش از حد جمعیت کشور و ظهور مسائل بیش جمعیتی بوده و از این‌رو مسئولین و سیاست‌گذاران از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ به احیاء سیاست تنظیم موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده پرداختند. مهیا بودن بستر و شرایط اجتماعی

و اقتصادی جامعه برای اجرای این سیاست، زمینه‌ساز کاهش رشد جمعیتی کشور به حدود ۱/۹ درصد طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ۱/۶ درصد در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ گردید (صادقی، ۱۳۸۸: ۲۴۳).

بخش اعظمی از کاهش مرگ‌ومیر متأثر از توسعه اقتصادی- اجتماعی، گسترش و پیشرفت خدمات بهداشتی و درمانی و اعمال طرح‌های مراقبت بهداشتی همچون مایه کوبی بوده است. در بستر فرایند توسعه بویژه توسعه بهداشتی و درمانی، علاوه بر کاهش سطوح مرگ‌ومیر، ماهیت و ساختار علل مرگ نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. بنابراین، فرایند انتقال مرگ‌ومیر، با پدیده‌ی دیگری تحت عنوان انتقال

اپیدمیولوژیک همراه بوده است. بر اساس این انتقال، علل مرگ از بیماری‌های عفونی و انگلی به بیماری‌های غیر عفونی و غیر انگلی تغییر یافته و در نتیجه بیماری‌های دستگاه گردش خون، سرطان‌ها، سوانح و حوادث و سایر بیماری‌های توانکاه به عنوان مهمترین علل مرگ شیوع پیدا کرده‌اند (همان: ۲۴۳).

در بستر اجتماعی ایران همزمان با پایان یافتن گذار اول جمعیتی، شاهد آغاز فاز جدیدی در تحولات جمعیتی هستیم و بدین جهت ابعاد و مسائل جدیدی در حوزه جمعیت و توسعه در ایران ظهور و گسترش یافته است

فاز دوم یا میانی گذار جمعیت‌شناختی با انتقال باروری همراه است. در این مرحله، میزان‌های باروری به دلالتی چون فراگیر شدن شهرنشینی، صنعتی شدن، گسترش آموزش همگانی، بهبود موقعیت زنان، دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی، افزایش سطح استاندارد زندگی و ... کاهش می‌یابد. به دنبال این وضعیت دموگرافیک، رشد جمعیت شروع به کاهش نموده و جمعیت، ساختاری در حال گذار از جوانی به سالخوردگی پیدا می‌کند. کشور ایران در چند دهه اخیر تحولات چشمگیری در باروری تجربه نموده است. روند باروری تا دهه ۱۳۴۰ نسبتاً ثابت و در حد بالایی بوده و از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ با شروع برنامه‌های تنظیم خانواده در آستانه انتقال قرار گرفت و تا نیمه دهه ۱۳۵۰ کاهش اندکی یافت. همزمان با انقلاب، میزان‌های باروری تا حدودی افزایش یافت، اما بعد از مدت کوتاهی از میانه دهه ۱۳۶۰ شروع به کاهش نمود. سرعت کاهش باروری و مسیر دستیابی آن به سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰ به اندازه‌ای چشمگیر و خارق‌العاده بوده که تعبیر «انقلاب باروری»

در مورد آن به کار رفته است. علاوه بر این کاهش پدیده‌ایی، نوعی همگرایی اجتماعی در کاهش باروری بین اقشار مختلف جامعه، استان‌ها و مناطق مختلف کشور دیده می‌شود. البته، هنوز علیرغم همگرایی رفتارهای باروری در ایران، تفاوت‌های قومی یکی از وجوه بارز باروری افتراقی محسوب می‌شود. به همین جهت، توجه به چندگونگی و تنوع قومی - مذهبی جامعه ایران، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحقیقاتی است که نیاز به مطالعه و سیاست‌گذاری دارد (همان: ۲۴۴).

در کنار تحولات جمعیتی، ابعاد و مسائل نوظهور مذکور، یکی دیگر از مسائل پیش‌روی کشور انتقال ساختارهای سنی به سمت سالخوردگی جمعیت می‌باشد. بدین صورت که در فاز سوم انتقال جمعیتی، میزان‌های مولید و مرگ هر دو پایین است و حتی میزان‌های مولید به زیر سطح جایگزینی کاهش می‌یابد و در نتیجه سالخوردگی جمعیت اتفاق می‌افتد. تجربه‌ی کاهش سریع باروری همراه با بهبودهای امید به زندگی منجر به تغییرات سریع ساختارهای سنی و سالخوردگی جمعیت ایران برای دهه‌های آینده می‌شود. جامعه ایران در حال حاضر، مرحله انتقال ساختار سنی از جوانی به سالخوردگی را تجربه می‌کند و در این فرایند به طور روزافزون بر جمعیت میانسال و سالخورده افزوده می‌شود و از جمعیت نوجوان و جوان آن کاسته می‌گردد. فزونی سرعت رشد جمعیت سالمندان در مقایسه با رشد کل جمعیت، افزایش سالانه تعداد و سهم سالمندان، ساختار سالخورده جمعیتی ایران از دهه ۱۴۲۰ هـ.ش به بعد، لزوم برنامه‌ریزی آینده‌نگر برای حل مسائل این گروه از جمعیت را توجیه می‌کند. با افزایش روند سالخوردگی جمعیت، نیازهای اختصاصی مربوط به سالمندان در راستای تأمین رفاه اجتماعی و بهداشتی و مسائل مرتبط افزایش می‌یابد. تأمین اجتماعی، تأمین سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایت اجتماعی از سالمندان، توجه به مسائل سلامت اجتماعی و روانی، و فراهم کردن بستر سالمندی فعال از جمله این نیازمندی‌ها می‌باشد.

البته کشور ایران قبل از ورود به فاز سالخوردگی جمعیت، دوره‌ایی را در تحولات جمعیت‌شناختی خود تحت عنوان «پنجره جمعیتی» تجربه خواهد کرد که از دیدگاه اقتصاد جمعیت و توسعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. همانطور که بیان شد انتقال جمعیتی و بویژه کاهش سریع باروری در ایران منجر به تغییرات بنیادی در ساختار سنی جمعیت شده است. در نتیجه این تحولات و در مسیر انتقال ساختار جمعیت جوان

(هرمی شکل) به سالخورده (استوانه‌ای شکل)، فاز پنجره جمعیتی ایجاد شده که در آن تمرکز اصلی جمعیت بر سنین فعالیت (۱۵ تا ۶۴ ساله) می‌باشد. این وضعیت که ایران در حال حاضر در آن بسر می‌برد از سال ۱۳۸۵ آغاز شده و برای مدت زمان تقریباً ۴۰ سال دیگر یعنی تا سال ۱۴۲۵ ادامه خواهد یافت. در این دوره، روزنه فرصتی برای رشد سریع اقتصادی و توسعه پایدار انسانی در کشور فراهم می‌شود. از این رو، ایران کنونی در یک فرصت زمانی طلایی، استثنایی و تکرارناپذیر جمعیتی برای رشد و توسعه اقتصادی بسر می‌برد. چنین وضعیت جمعیتی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور را در برابر فرصت طلایی برای توسعه قرار داده است. اگر روندهای جدید انتقال‌های ساختار سنی و پنجره فرصت به خوبی مدیریت شود، می‌تواند توسعه پایدار را بهبود بخشد و در مقابل اگر بد و ضعیف مدیریت شود، بطور قابل توجهی احتمال تحقق توسعه پایدار را محدود می‌سازد.

در کنار انتقال‌های جمعیتی و ساختارهای در حال تغییر سنی در ایران، یکی دیگر از ابعاد و چالش‌های توسعه‌ای جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی می‌باشد. ایران در مرحله انتقال شهری است و رشد شتابان شهرنشینی را تجربه می‌کند. افزایش شهرنشینی و شکل‌گیری کلان‌شهرها، مهمترین و عمده‌ترین پیامد افزایش جمعیت در ایران بوده است. بر این اساس، در طول نیم قرن اخیر میزان شهرنشینی بیش از دو برابر شده و سیمای جامعه از روستانشینی به شهرنشینی تغییر یافته است. الگوی شهرنشینی در ایران مانند اکثر کشورهای در حال توسعه، متأثر از الگوی شمال و نوعی تقلید ناشیانه از تجربه شهری شدن جوامع متروپل بوده که منجر به نظام معینی از اسکان و استقرار فعالیت‌ها و منابع شده است. نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشور سبب هجوم گسترده به شهرها، پیدایش بخش خدمات متورم، بیکاری پنهان، معضل مسکن، مسائل زیست محیطی، گسترش بادکنکی سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌نشین، مسئله سازگاری و دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجرین در شهرها شده است (همان: ۲۴۹). یکی از عوامل مؤثر بر چنین رشد و افزایش شتابان شهرنشینی در ایران، روند گسترده مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است. این الگوی مهاجرتی انتظار می‌رود که همچنان در دهه آینده نیز با توجه به ساختار جوان جمعیتی و کمبود فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی تداوم داشته باشد، البته با توجه به کاهش نسبت روستانشینی از اهمیت این

نوع مهاجرت‌ها کاسته شده و در مقابل مهاجرت‌های شهر به شهر و بین استانی در حال افزایش می‌باشد. از این رو، در زمینه مهاجرت‌های داخلی، شاهد الگوی جدید مهاجرتی یعنی مهاجرت شهر به شهر می‌باشیم که عمدتاً به مهاجرت از نقاط شهری کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر و بویژه کلان‌شهرها مربوط است. همچنین با توجه به ساختار جوان جمعیتی و تسلط آن‌ها بر جریان‌های مهاجرتی، تجربه اقامتی آن‌ها در استان‌های دیگر به دلایلی چون ادامه تحصیل، ظهور پدیده پنجره جمعیتی (افزایش نسبت جمعیت در سنین فعالیت)، توسعه نابرابر و کمبود فرصت‌های شغلی در بسیاری از استان‌های کشور انتظار می‌رود که جریان مهاجرت‌های بین استانی افزایش یابد و آن نقش مهمی در پویایی مهاجرت داخلی در ایران ایفاء نماید (همان: ۲۵).

بنابراین توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت گسترده و شهرنشینی شتابان از جمله چالش‌های جمعیتی فراروی محیط زیست و توسعه پایدار در ایران محسوب می‌شوند. مسلماً تأمین نیازهای جمعیت شهری با حجم بزرگ و رو به رشد، می‌تواند موجبات استفاده بیش از توان تحمل سرزمینی و تخریب محیط زیست را در ابعاد مختلف آن به همراه داشته باشد.

در این زمینه، جمعیت و مؤلفه‌های گوناگون آن گرچه به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم بر محیط زیست و منابع اثر می‌گذارند، بر پاسخی که محیط نیز به انسان می‌دهد تأثیر می‌نهند. این اثرات تعاملی در مفهومی تحت عنوان مطبوعیت محیطی مورد بررسی قرار گرفت. اتخاذ و اجرای سیاست‌های مناسب مهاجرت و شهرنشینی برای تضمین توسعه پایدار و مطبوعیت محیطی ضرورتی اساسی دارد. در این زمینه، سیاست‌گذاری‌ها بایستی در جهت تحدید اندازه و رشد زیاد کلان‌شهرها، تغییر جهت مهاجرت از قطب‌های رشد به سوی شهرهای کوچک‌تر و بعبارتی ایجاد شهرهای پیرامون کلان‌شهرها، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بویژه در زمینه فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای نیروی کار روستایی، توجه به نیازهای اساسی جوامع روستایی با محور قرار دادن نیازهای نسل جوان، ضرورت تقویت صنایع روستایی با هدف اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری‌های مناسب در زمینه افزایش بهره‌وری و ارزش افزوده کشاورزی، بیمه محصولات کشاورزی، اجرای طرح آمایش سرزمین و کاهش نابرابری‌های توسعه‌ای در بین استان‌های کشور باشد.

در بستر اجتماعی ایران همزمان با پایان یافتن گذار اول جمعیتی، شاهد آغاز مرحله جدیدی در تحولات جمعیتی هستیم و بدین جهت ابعاد و مسائل جدیدی در حوزه جمعیت و توسعه در ایران ظهور و گسترش یافته است. وجود این مسائل نوظهور نیازمند مطالعه و بررسی ابعاد، پیچیدگی‌ها، گستردگی‌ها و چندگانگی مناسبات آن‌ها در کانون مباحث علمی، آموزشی، تحقیقاتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌باشند. علاوه بر این، مناسبات چندسطحی، تنگاتنگ و پیچیده‌ی جمعیت و توسعه در بستر شرایط جمعیت‌شناختی جدید ایجاب می‌کند که سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی، مستقل از برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه نباشند و به عکس روندها و ابعاد جدید جمعیتی نیز در راهبردها و برنامه‌های توسعه ادغام و در نظر گرفته شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

- آشفته تهرانی، (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی جمعیت، اصفهان: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱)، جمعیت و شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول.
- سووی، آلفرد (۱۳۶۸)، درون جهان سوم، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸)، جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها- یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- صندوق جمعیت سازمان ملل (۲۰۰۱)، استراتژی‌های جمعیت و توسعه، گزارش طرح پژوهشی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و ... (۱۳۸۸)، مسیر کاهش باروری به زیر سطح جایگزینی در جمهوری اسلامی ایران، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- قاضی طباطبائی، محمود؛ آقایی‌هیر، توکل و ... (۱۳۸۸)، جمعیت و فقر در ایران، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کاظمی‌پور، شهلا؛ صیادی، آرزو (۱۳۸۸) روند توسعه کلان‌شهرها در ایران و آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کتابی، احمد (۱۳۷۰)، نظریات جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم.



کولکارنی- پی - دی (۱۳۸۷)، مفهوم توسعه اجتماعی، ترجمه محمود ارغوان، صص ۱۸۶-۱۷۷ از کتاب توسعه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. گور- ام اس (۱۳۸۷)، نقش نیازهای اولیه در توسعه اجتماعی، ترجمه وحید صادقی جو، صص ۲۲۸-۲۱۳ از کتاب توسعه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۸۹)، تحولات جمعیتی، چالش‌های فرا رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران. مرکز منطقه‌ای مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۷۹)، بررسی اثرات متقابل شاخص‌ها و متغیرهای جمعیتی با برنامه دوم توسعه ایران (۷۸-۱۳۷۳)، گزارش طرح پژوهشی.

مشفق، محمود؛ مطیع‌حق‌شناس، نادر (۱۳۸۸)، تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران و ابعاد اقتصادی و اجتماعی و پنجره جمعیتی آن، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

مهریار، امیر هوشنگ؛ کاظمی‌پور، شهلا و ... (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد سالخوردگی جمعیت و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی آن در ایران: گفتگوی سیاستی، کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

میرزائی، محمد (۱۳۸۲)، تغییرات ساختار سنی جمعیت در ایران و پیامدهای آن، در گزارش بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌های جمعیتی ایران و پیامدهای آن، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

میرزائی، محمد؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵)، گزارش کشوری جمعیت و توسعه در ایران، تهران: انجمن جمعیت‌شناسی ایران.

میرزائی، محمد؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸) جمعیت و توسعه در ایران: کتاب جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

میرزایی، محمد (۱۳۸۴)، جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران (ده مقاله)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

نراقی، یوسف (۱۳۷۳)، توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته، مطالعه تحلیلی از جنبه‌های نظری- تاریخی توسعه‌نیافتگی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.

هرسیون، پل (۱۳۶۴)، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، تهران: انتشارات فاطمی.

هرمزی‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۰)، بررسی ارتباط متقابل بین افزایش جمعیت و توسعه اجتماعی اقتصادی در جامعه ایران ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

یاگونبر، گری؛ مک‌فارلند، ربارت و ... (۱۳۸۷)، نظریه جامع توسعه اجتماعی، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، صص ۱۲۸-۳ از کتاب توسعه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی